

برابری هویتی زن و مرد در آموزه‌های قرآنی

چکیده

زنان در طی تاریخ بشریت دارای منزلت و جایگاه متفاوتی بوده‌اند؛ از زنده به گور شدن آنان تا ستایش و احترام به مقام و منزلت مقدس آنان. آموزه‌های قرآنی نشان دهنده آن است که در سیر به سوی کمالات الهی و انسانی، زن و مرد برابرند و هیچ‌گونه جنسیتی مطرح نمی‌باشد و پیامبر(ص) با ابراز محبت و پاره تن خواندن دخترش حضرت فاطمه (س) نشان داد که ایشان پاره‌ای از تمامی صفات حمیده و خصال نیک وجود ذی جود پیامبر خاتم بوده و اسلام با الگو قرار دادن زنان پاکدامن، نشان داد که برای زن، شخصیت و حقوق والایی قائل است.

از نگاه اسلام، زن همچون مرد گرامی است و منزلت و حقوقش با منزلت و حقوق مرد برابر است؛ چرا که ملاک برتری و نکوداشت، تقوا و عزت نفس از خطاها و گناهان است. قرآن، جایگاه زن را بالا می‌برد و اهمیت خاص و جایگاه بسیار برجسته ای برای او قائل هستند که این منزلت والا را هرگز در مکتب‌های به ظاهر متجدد امروزی نمی توان یافت. در دین گرانقدر ما از زن در سه قالب تمجید شده است؛ دختر، همسر و مادر. خداوند در قرآن به زنان شایسته تقدیر، ارج می‌نهد و آنان را می‌ستاید. منزلت زن به عنوان هویت دینی، در کنار مرد، به اوج کمال خود می‌رسد؛ چرا که زن، شالوده تشکیل خانواده است، او مرد را از انحراف در جامعه حفظ می‌نماید. در قرآن به ازدواج به عنوان عنصر تکمیل کننده زن و مرد اهمیت بسیاری داده شده است و آن را امری مقدس می‌داند. ما در این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی برآنیم تا به بررسی ابعاد هویت زن در آموزه‌های دینی و وحیانی بپردازیم تا مشخص گردد که در آموزه‌های دینی علاوه بر ارج نهادن بر منزلت زن، زن دارای چه هویت و حقیقت انسانی یکسانی در برابر مرد می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، آموزه‌های دینی، زن، هویت زن.

زن و جایگاه و منزلت او در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ آنگونه که قرآن، زنان شایسته را ستایش می‌کند و مقامشان را تکریم می‌کند، و تحقیرها و افراطها و تفریطها در مورد مقام زن در زمان جاهلی را رد می‌کند. آیات قرآن و احادیث و روایات هم در عین حال که به تکریم زنان پرداخته، برابری آنان را با مردان در مقام انسانی بیان می‌دارد و زنان با ایمان و باعفت را ارج می‌نهد، و از زنان بد و بی‌عفتی که سبب ویران شدن بنیان خانواده می‌گردند برحذر می‌دارند. «قرآن کریم بر جایگاه انسانی زن و مرد به طور برابر تأکید می‌ورزد و آن دو را دو عنصر انسانی می‌داند که هیچ کدام به لحاظ ارزش انسانی بر دیگری برتری ندارد. این مطلب را از این آیه قرآن درمی‌یابیم که (الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) (نساء/1) آنکه (پروردگارتان) شما را از یک تن آفرید و از آن یک تن، همسر او را» (فضل الله، 1389: 11).

دین اسلام با پشتوانه نظام و حیانی، نگاهی الهی و نه انسانی به زن دارد، از آن لحاظ که او، زن انسی و معنوی می‌باشد. آموزه‌های و حیانی با شکستن سنت تحقیر زن نسبت به مرد، به او شخصیتی برابر با مرد می‌دهد که در کسب کمالات انسانی و ارزش‌های الهی هویت و شخصیت خاص و ویژه‌ای کسب می‌نماید؛ لذا به دلیل اشتراک در ارزش‌های اخلاقی و انسانی، زن و مرد دارای حقوق و وظایف مشترک هستند.

این مقاله به بررسی هویت زن در قبل از اسلام و پس از آن و تفاوت این دو دوره از منظر آموزه‌های و حیانی می‌پردازد تا مشخص گردد که زن و مرد در چه مسائلی اشتراک دارند و ملاک برتری زن و مرد از چه منظری می‌باشد.

سوالات پژوهش

1. هویت زن و مرد از منظر مقام و منزلت چه اشتراکاتی دارند؟

2. هویت زنان در قبل و بعد از اسلام دارای چه تفاوتی می‌باشد؟

3. نگاه قرآن به ازدواج به عنوان عنصر مکمل زن و مرد چگونه است؟

پیشینه پژوهش

1. انتصاری، فاطمه (1361)، پایان‌نامه موقعیت زن در قرآن که در دانشگاه تهران با راهنمایی

دکتر محمد رادمنش نگاشته شد.

2. نورحسن، طاهره (1378)، پایان‌نامه حقوق زن در قرآن و عهدین که در دانشگاه قم با

راهنمایی دکتر دیاری نگاشته شد.

3. دهقان‌نژاد، رضا (1394)، جایگاه ارزشی زن در قرآن کریم و بررسی شبهات پیرامون آن که

در مجله تفسیر پژوهی اثری دوره 2 چاپ شد.

تحولات تاریخی حقوق زنان قبل از اسلام و بعد از آن

زن، قبل از اسلام و در تمدن‌های پیش از اسلام دارای هویت انسانی خاصی نبوده است بلکه هویتی

حقیر و پست و تابع مرد داشته است، به صورت کلی می‌توان گفت «تحولات تاریخی در حقوق زنان به سه

دوره جداگانه تقسیم می‌شود:

1. «دوره وحشی‌گری، بربریت و بت‌پرستی که زن را انسان نمی‌دانستند، بلکه از نظر ایشان،

زن موجودی بی‌ارزش و بدون اختیار و حقوق انسانی بود که به راحتی به تملک هرکسی درمی‌آمد.

2. دوران ظهور تمدن یونان، مصر، روم و ایران که ادیان توحیدی و باور پرهیزکاران و

پارسایان، عواطف و احساسات بشری را با منطق و دانش همراه ساخت. در این عصر، زن از نظر

مادی، انسان به شمار می‌رفت، ولی فقط از همین نظر و تا همین اندازه، شریک زندگی مرد بوده و هنوز از نظر معنوی و اجتماعی، شخصیت حقوقی نداشت و پیرو و فرمان‌بر اراده مرد بود.

3. دوران ظهور اسلام که اسلام با آموزه‌های ارزشمندش، زن را از وضعیت نامطلوب، نجات داد و به وی شخصیت حقوقی بخشید. در نتیجه، زن مسلمان توانست به تدریج، جایگاه خود را در میان جامعه بیابد و از بسیاری از موهبت‌ها بهره‌مند شود» (عظیمی، 1386: 19). رشد و بالندگی زنان تنها در پرتو آیین اسلام شکل گرفت، هویت بخشی قرآن به زنان و نگاه انسانی و اسلامی پیامبران به زنان باعث تحول در هویت انسانی آنان شد، «ورود زنان را به عرصه‌هایی که پیش از آن سابقه نداشت، چون تعلیم و تعلّم، باید یکی از شواهد عینی این بالندگی قلمداد کرد.

آشکار است که مصدر تعلیم و تعلّم و روی آوردن به دانش و معرفت، در آن عصر، قرآن و حدیث بود و بررسی تعامل زنان با این دو مصدر و دانش‌های مرتبط با آن‌ها در طول تاریخ اسلام، می‌تواند این حقیقت را بیشتر روشن سازد» (مهریزی، 1387: 7).

دیدگاه قبل از اسلام نسبت به زن

پیش از اسلام به زن به دو دید نگاه می‌شد؛ یکی به دیده تحقیر و دیگری به دیده افراط و تفریط.

1. تحقیر زن

زنان قبل از اسلام جایگاه و منزلتی نداشتند و رفتارهای حقیرانه متعددی با آنان می‌شد، اعراب، دختران خود را زنده به گور می‌کردند و از اینکه صاحب دختر می‌شدند بسیار آزرده خاطر می‌شدند، چنانکه در آیه 58 و 59 سوره نحل آمده: «زمانی که به یکی از آنان بشارت می‌رسید که نوزاد دختری برای تو پا به عرصه وجود گذاشته است چهره‌اش از شنیدن این سخن، سیاه می‌شد و خشم و ناراحتی در نهادش موج می‌زد و

از شرم و خجالتِ خود، از مردم دور می‌شد؛ یا آن دختر را با خواری و ذلت نگاه می‌داشت و یا در خاک پنهانش می‌کرد».

پیش از اسلام زنان، موجوداتی ضعیف و منشأ بدی‌ها به حساب می‌آمدند و به همین دلیل به دیده تحقیر بدانها نگریسته می‌شد و همواره زنان در فلاکت و بدبختی می‌زیستند. و در این دوره، ملت‌های متمدن و غیرمتمدن نسبت به زنان، دیدگاه خاص خود را داشتند، ملت‌های غیر متمدن معتقد بودند که «زن، انسانی است در افق حیوانات (انسان درجه دوم) که اگر او را آزاد بگذارند هرگز از شر و فساد او ایمن نمی‌توان بود پس زن را جزء جامعه انسانی نمی‌دانستند و هیچ حق اجتماعی که به نفع او باشد قائل نبودند. رفتار آن‌ها با زن بر اساس غلبه غلبه قوی بر ضعیف شکل می‌گرفت.

و ملت‌های متمدن علاوه بر آنچه که گفته شد، می‌گفتند: زن خلقتا ضعیف است و هرگز نباید دارای استقلال باشد و از شرّ و فساد او هیچ‌وقت نباید ایمن بود» (طباطبائی، 1374: 273/2-281). سرنوشت زنان قبل از اسلام توسط مردان تعیین می‌شد و آنان در زندگی خویش چاره‌ای به غیر از تسلیم نداشتند. از ویژگی‌هایی که نسل‌های قبل از اسلام برای زن قایل بودند عبارت است از

1. «زن موجودی سربار است و نعمت‌های الهی فقط برای مرد آفریده شده است.

2. زن، شیطان و ریشه گناه و فساد است.

3. زن وارد بهشت نمی‌شود» (اسد، 1394: 6).

زن قبل از اسلام همچون کالای بی‌ارزش، هیچگونه مقام و منزلتی نداشت و چون او را ریشه گناه و فساد می‌دانستند، همواره از زن دوری می‌کردند تا مبادا دچار مفسده شوند. و در آن زمان بر این اعتقاد بودند که نه تنها زنان از نعمت‌های دنیوی نمی‌توانند بهره‌مند شوند بلکه نعمت‌های

«تشکیل خانواده که با ازدواج زن و مرد شروع می‌شود، اولین و کوچک‌ترین محیط اجتماع را رقم می‌زند و هرکس در این نهاد وظیفه خاص خود را داراست. به ویژه زن که به عنوان همسر و مادر در این پست مشغول وظیفه است و نقش و تأثیر او در این موضوع پر اهمیت اجتماعی را نمی‌توان نادیده انگاشت.

ازدواج آئینه میثاق الهی است که بین خداوند و مردان و زنان وجود دارد. اعتبار ازدواج به قداستی است که در اتحاد زن و مرد وجود دارد. این نخستین فرمانی بود که خداوند به آدم ابوالبشر داد. ازدواج میان دو فرد ناهمجنس در همه ملت‌ها یک هنجار بوده است که ادیان الهی به آن احترام بیشتری بخشیدند (خالق صفت، 1397: 81). در حدیث قدسی همسر (چه زن و یا چه مرد) به عنوان عطیه‌ای الهی یاد شده که در بودنش خیر دنیا و آخرت می‌باشد:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَجَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَزَوْجَةً مُؤْمِنَةً تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ (کلینی، 1407: 578/10)

ترجمه: خداوند متعال فرمودند: هر زمان بخواهم برای مسلمان خیر دنیا و آخرت را یکجا جمع نمایم بدو قلبی خاشع و زبانی ذاکر و جسمی که در مقابل بلا صبور باشد و همسری مومن که هر زمان به او نگاه می‌نماید او را خوشحال می‌کند و هر زمان از او دور می‌گردد از خود و مال همسر حفاظت می‌نماید عطا می‌کنم.

در قرآن نیز به برابری زن و مرد برای نیاز به ازدواج اهمیت بسیاری داده شده است و آن را امری مقدس می‌داند: وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ «نور/32»

(پسران و دختران بی همسر و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان می گرداند و خداوند، گشایشگر دانا است).

و در جای دیگری از قرآن زن و مردی که با یکدیگر ازدواج می نمایند را از جنس یکدیگر می داند که انس و آرامشی برای یکدیگر به حساب می آیند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/21): از نشانه های خدا آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در نزد آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد.

«یکی از نیازهای بشر انس و الفت است و لذا تنهایی برای او دشوار است و نیاز به کسی دارد که امین و غم خوار و مهربان و رازدار او باشد تا با او انس بگیرد و عشقش را خالصانه نثار او کند. بهترین فردی که می تواند این نیاز را تامین کند همسر است، چه زن و چه شوهر. قرآن از میان فوائد بسیار ازدواج، تنها این مورد را نام برده که معلوم می شود مهم ترین فائده است». (قرائتی، 1388: 178/6). در هیچ حالتی مرد، به سبب دارا بودن صفت مردی، بر زن، به جهت زن بودن، سلطه و سرپرستی ندارد جز در حالت زناشویی. دلیل این امر نیز همین آیه است: «...فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ...» «پس زنان شایسته فرمانبردارند و در غیب شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می دارند و آن زنان که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید.»؛ زیرا این آیه از آغاز تا پایان از مسئله سرپرستی و سلطه در داخل زندگی زناشویی سخن می گوید و این امر در طلاق که حق مرد است نمایان می شود. طلاق نیز از آن رو به دست مرد است که او مسئول تأمین هزینه زندگی است. سلطه و سرپرستی (قوامت) در خارج از این دایره هیچ نمودی ندارد (فضل الله، 1389: 17).

نتیجه

پیش از اسلام زنان، موجوداتی ضعیف و منشأ بدی‌ها به حساب می‌آمدند و به همین دلیل به دیدهٔ تحقیر بدانها نگریسته می‌شد و همواره زنان در فلاکت و بدبختی می‌زیستند. سرنوشت زنان قبل از اسلام توسط مردان تعیین می‌شد و آنان در زندگی خویش چاره‌ای به غیر از تسلیم نداشتند.

از منظر اسلام زن به سان مرد گرامی است و حقوقش با حقوق مرد برابر است و آن دو در پاداش و کیفر بی‌هیچ کم و کاستی با هم برابرند؛ چرا که ملاک برتری و نکوداشت، تقوا و پاسداشت نفس از مفسده‌ها است. قرآن مجید تمامی انسان‌ها، چه زن و چه مرد را فرزندان آدم و حوا به حساب می‌آورد و در مبدأ خلقت و استعدادهای انسانی بین آنها تفاوت قائل نمی‌باشد. و چون زن و مرد از یک ذات آفریده شده‌اند، هیچکدام بر دیگری برتری نداشته بلکه به عنوان مکمل یکدیگر می‌باشند و این برابری را از همان آفرینش آدم و حوا به وضوح می‌توان مشاهده نمود. تفاوت‌هایی که در ساختار بدن و ساختار روحی مرد و زن وجود دارد باعث نیاز هر یک از زن و مرد به یکدیگر می‌شود، آفرینش هر یک از زن و مرد جهت آرامش و آسایش طرف مقابل خود می‌باشد. هر یک از اینها می‌توانند آرامش روحی برای طرف دیگر ایجاد نمایند و باعث استحکام بنیان خانواده شوند.

زن و مرد در آفرینش یکسان هستند و ذات و گوهری برابر دارند و خداوند هیچ‌گونه برتری‌ای برای هیچ‌کدام در این زمینه قائل نیست. اسلام، زن و مرد را مساوی می‌داند نه مشابه. و این تساوی به معنای آن است که در شرایط بدنی و خصلت‌های روحی تفاوت‌هایی میان آنان وجود دارد.

اسلام، حق زندگی باشرافت در جامعه و اجتماع را به زنان همچون مردان بخشید و آنان را بارعایت موازین شرعی تشویق به فعالیت‌های اجتماعی نموده است. همچنین زنان می‌توانستند مانند مردان با پیامبر بیعت کنند.

- اسد، اسراء(1394)، جایگاه حقوق و احکام ویژه زنان در قرآن کریم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- جوادی آملی، عبدالله(1398)، تفسیر انسان به انسان، تهران: مرکز نشر اسرا.
- خالق صفت، فاطمه (1397)، جایگاه زن در قرآن و عهدین، قم: مرکز نشر هاجر.
- خمینی، روح الله(1360)، زن از دیدگاه امام خمینی، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.
- طباطبایی، محمدحسین(1374)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: 5.
- عظیمی، زهرا(1386)، نگاهی به حقوق زن در اسلام، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- فضل الله، محمدحسین(1389)، دنیای زن، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- فضل الله، محمدحسین(1389)، زن از نگاهی دیگر، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- محمدی، مسلم(1392)، زن از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم: نشر زائر.
- مطهری، مرتضی(1402)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: نشر صدرا.
- مغنیه، محمدجواد(1378)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب قم.
- مکارم شیرازی، ناصر(1371)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه .

